

بررسی و تحلیل پیامدهای عهدنامه گلستان

علیرضا رحیمی^۱

چکیده

عهدنامه گلستان به دنبال جنگ‌های اول ایران و روس که چیزی حدود ده سال بطول انجامید از طرف روسیه تزاری بر ایران تحمیل شد. عهدنامه مزبور در تاریخ معاصر ایران نخستین عهدنامه یکجانبه‌ای بود که ایران به عنوان طرف مغلوب، آن را از سوی یک کشور استعماری پذیرفت. از این رو عهدنامه گلستان را می‌توان آغازگر فصل جدیدی از حیات سیاسی ایران به حساب آورد که در این دوره دول استعمارگر اروپایی، خصوصاً روسیه و انگلیس رقابت نفس‌گیری را برای سلطه بر ایران آغاز نمودند. این امر پیامدهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی مصیبت‌باری را برای ایران به دنبال داشت. در این پژوهش سعی می‌شود با روش توصیفی و تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای بطور مختصر برخی از پیامدهای این عهدنامه مورد بررسی و تحلیل قرارگیرد.

کلید واژه‌ها: عهدنامه گلستان، ایران، روسیه، استعمار
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره ی اسلامی، دانشگاه اصفهان

مقدمه

روسیه تزاری که از اواخر دوره صفوی توسعه طلبی ارضی در سرزمین های مجاور را شروع کرده بود، برای ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی و بازرگانی اش اهمیت خاصی قایل بود که این امر را در وصیت نامه منسوب به پطرکبیر می توان مشاهده نمود. روس ها در برنامه های امپریالیستی خود رؤیای دست یابی به خلیج فارس و هند را از طریق خاک ایران دنبال می کردند و به همین دلیل هم کوچک ترین فرصتی را که به دنبال آشفته گی های سیاسی و جابجا شدن قدرت در ایران به دست می آورند از دست نداده و به خاک ایران حمله می نمودند.

این تجاوزگری روس ها در اوایل قرن نوزدهم بصورت جدی تری دنبال شد. چند سالی از به قدرت رسیدن فتحعلی شاه قاجار سپری نشده بود که جنگ های اول ایران و روس شروع شد. ایرانیان علیرغم همه تلاش هایی که نمودند بنا به دلایلی از پس ارتش مدرن روسیه بر نیامدند و پس از تحمل یکی از طولانی ترین جنگ های قرن نوزدهم عهدنامه گلستان بر آن ها تحمیل شد. این عهدنامه علاوه بر اینکه سرزمین های وسیعی را از ایران جدا نمود، پیامدهای دیگری نیز برای ایران به دنبال داشت که آینده ایران را تحت تأثیر قرار داد.

عهدنامه گلستان

جنگ های اول ایران و روس حدود ده سال به طول انجامید. این درگیری طولانی زمانی شروع شد که ایران چیزی حدود یک قرن کشمکش داخلی و خارجی را بعد از فروپاشی صفویه تحمل کرده بود. به همین سبب هم از لحاظ منابع انسانی و اقتصادی وضعیت نامساعدی داشت. فرسایشی شدن جنگ به ضرر ایران بود زیرا دولت ایران در آن زمان ضعیف بود و این امر نه تنها هزینه های زیادی به ایران تحمیل کرد بلکه ارتش بی جان ایران را تقریباً مضمحل کرد. منابع مالی و انسانی ایران در این جنگ ها به تحلیل رفت و اوضاع اجتماعی ایران آشفته و پریشان گردید.

هزینه سنگین این جنگ‌ها تماماً بر دوش مردم فقیر و آسیب دیده‌ای بود که چندین دهه درگیری و ناامنی را پشت سر می‌گذاشتند. مردم سراسر کشور بخصوص اهالی آذربایجان مالیات‌های سنگینی را تحمل می‌کردند. علاوه بر بار مالی، تلفات انسانی نیز از عواقب دیگر این جنگ‌ها بود. ایران در طول ده سال نزدیک به دویست هزار نفر کشته داد، از طرف دیگر با از دست دادن سرزمین‌های قفقاز نزدیک به دو میلیون نفر از جمعیت ایران کم شد. پس از ده سال نبرد کلیه میدان‌های جنگ منظره‌ای وحشتناک به خود گرفته بود و مردمان مناطق جنگی تمام هستی خود را از دست داده بودند. سرزمین‌هایشان ویران شده و امکان هیچ فعالیت اقتصادی وجود نداشت (قوزانلو، ۱۳۱۵: ۱۴-۱۲). مردم مصیبت دیده و داغدار و همه چیز از دست داده دیگر یارای به خاک سپردن عزیزان از دست رفته خود را نداشتند. این امر باعث شیوع بیماری‌های عفونی و واگیردار گردید که جمع زیادی از مردم را به کشتن داد (دنبلی، ۱۳۵۱: ۳۶۹-۳۶۸).

در طول جنگ‌های ده ساله سرحدات شمال شرقی ایران نیز دچار قتل و غارت‌های زیادی شد که تقریباً ویرانی و تلفات آن از مناطق جنگی کمتر نبود. دولت‌های خیوه و بخارا از وضعیت سیاسی ایران سوءاستفاده کرده، سواران ترکمن و ازبک را برای غارت و تخریب شمال شرق ایران تحریک کردند. چندین هزار سوار غارتگر سال‌های دراز خراسان را دچار قتل و غارت و ناامنی ساختند (قوزانلو، ۱۳۱۵: ۱۴). به این ترتیب می‌توان گفت تحت تأثیر این جنگ‌ها بقیه نقاط ایران نیز دچار ناامنی و سرکشی گردید.

با توجه به این اوضاع و احوال کشور بود که دولت ایران پس از شکست اصلاندوز در سال ۱۸۱۲م. / ۱۲۲۸ق. حاضر به پذیرش صلح پیشنهادی روس‌ها گردید. البته تلاش‌های سرگور اوزلی سفیر انگلستان نیز در پذیرفتن شرایط روس‌ها تأثیر زیادی داشت. مذاکرات در قریه گلستان از توابع قراباغ انجام گرفت. عهدنامه‌ای شامل سه قسمت ارضی، سیاسی و اقتصادی به امضای میرزا ابوالحسن خان ایلچی نماینده ایران و نیکلای رادیشچف نماینده روسیه

(مهدوی، ۱۳۸۵: ۲۲۲) رسید. این چنین دوره اول جنگ‌های ایران و روس با انعقاد معاهده گلستان وارد مرحله آتش بس گردید.

عهدنامه گلستان شامل یک مقدمه و یازده فصل بود و خلاصه فصول آن به شرح زیر می‌باشد: ۱- متوقف شدن جنگ و نزاع بین دولت‌های ایران و روس و برقرار گردیدن صلح و دوستی بین طرفین، ۲- باقی ماندن نیروهای دو طرف در همان مناطق زمان انعقاد معاهده، ۳- تعهد ایران برای دوستی با روس‌ها و واگذاری قره باغ، گنجه، شکلی، شیروان، دربند، باکو، گرجستان، داغستان، موقان، و بخش‌هایی از تالش به روسیه، ۴- همکاری روس‌ها با ولیعهد ایران در صورت درخواست کمک و پرهیز از دخالت در اختلافات داخلی بین شاهزادگان ایران، ۵- آزادی کشتی‌های روسی برای حضور در دریای مازندران و ایجاد محدودیت‌های دریایی برای ایران، ۶- مبادله اسرای طرفین، ۷- مبادله سفیر بین دو کشور و تأمین امنیت و رفاه هیأت‌های دو کشور، ۸- فعالیت تجار دو کشور بر اساس مقررات، ۹- تعیین نحوه دریافت حقوق گمرکی از کالاهای دو کشور، ۱۰- مجاز بودن بازرگانان طرفین برای فروش کالاهای صادراتی به کشور یکدیگر و خرید کالاهای مورد نیاز کشور خود، ۱۱- ملزم شدن طرفین به تداوم صلح و دوستی (نفیسی، ۱۳۷۲: ۱/۲۶۰-۲۵۶).

تحلیل پیامدهای عهدنامه گلستان

عهدنامه گلستان، نخستین عهدنامه‌ای است که در پی شکست ایران از یک دولت استعماری در تاریخ معاصر ایران بر کشور ما تحمیل شد. این عهدنامه که می‌توان آن را نخستین مرحله از توسعه‌طلبی ارضی روس‌ها در ایران دوره قاجار نامید، نه تنها سرآغاز تجاوزگری‌های بعدی روسیه قرار گرفته بلکه رقیب استعماری روسیه یعنی انگلستان نیز که خود از طراحان این جنگ و معاهده بود، از این آبی که گل آلود کرده بود ماهی گرفت. در نتیجه معاهده گلستان از

جنبه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی و اقتصادی برای ایران پیامدهایی داشت که در ذیل به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف. واگذاری ارضی و تعیین حدود مرزها:

از پیامدهای آنی معاهده گلستان جدایی قسمتهایی از سرزمین‌های ایران در منطقه قفقاز بود. هرچقدر که از دست رفتن این سرزمین‌ها برای ایرانیان ضایعه بزرگی محسوب می‌شد اما برای روس‌ها پیروزی بزرگی بوده «زیرا که سیادت روسیه را بر قفقاز و دریای خزر مالکیت آنرا بر ایالات پرتور خاور که یکی از چهار کشور بهشت آسای جهان است، به ارمغان آورده» (عبدالله‌یف، ۱۳۳۶: ۶۳). طی فصل سوم معاهده گلستان ولایت قراباغ و گنجه و خانات شکی، شیروان، قبه، دربند، باکو و قسمتی از طالش که در زمان عقد قرارداد در تصرف روس‌ها بود به روسیه منضم شد. همچنین ایران از هر گونه ادعایی نسبت به گرجستان و داغستان، مینگرلی، آبخازی، شوره گل، آچوق باش و کورنه صرفنظر کرد (لسان‌الملک، ۱۳۵۳: ۲۴۶/۱).

جدایی این سرزمین‌ها از ایران نه تنها برای همیشه کشور را از حاصلخیزترین سرزمین‌های خود محروم ساخت، بلکه به میزان زیادی از عایدات خزانه ولیعهد که از مالیات این نواحی تأمین می‌شد، کاست. خزانه عباس میرزا مستقل از خزانه دستگاه مرکزی قاجار بود و بایستی هزینه جنگ را تأمین می‌کرد. بنابراین با جدایی این سرزمین‌ها برای جبران نقصان عایدات، مالیات ایالت آذربایجان افزایش یافت: در حالی که طی سال‌های جنگ مردم این ناحیه هزینه‌های زیادی را متحمل شده بودند و علاوه بر آن ویرانی، ناامنی و کشتار حاصل از جنگ درآمد آن‌ها را تنزل داده بود. اما برای ترمیم خرابی‌ها و تأمین دیگر هزینه‌های دربار ولیعهد، فشار زیادی بر مردم آذربایجان و شهر تبریز وارد آمد که نتیجه آن بیزاری مردم از دستگاه حکومتی و آصف‌الدوله حاکم شهر بود. این نارضایتی در زمان جنگ‌های دوم هنگامی که مردم تبریز شهر را به روس‌ها تسلیم کردند خود را نشان داد.

در زمینه تحدید حدود دو کشور نیز مرزها به طور قطعی مشخص نشد. فصل دوم عهدنامه که می‌بایست متصرفات ایران و روسیه را از هم جدا سازد، درست و رسا نوشته نشده بود. شاید هر دو دولت هم تعمداً در این ابهام سکوت کردند. چرا که روس‌ها برای ادامه جنگ و رسیدن به ارس بهانه‌ای لازم داشتند و فتحعلی شاه هم احتمالاً در فکر تجدید قوا و پس گرفتن سرزمین‌های از دست رفته بود.

در فصل پنجم معاهده مقرر گردیده بود که کشتیرانی نظامی در دریای مازندران منحصر به روس‌ها باشد. این فصل از معاهده هم بهانه‌ها و زمینه‌های لازم را برای توسعه‌طلبی‌های بعدی روسیه فراهم ساخت. چرا که ایران با پذیرش این قسمت از معاهده خود را از تأمین امنیت جزایر و سواحل دریای مازندران ناتوان ساخت و باعث برخی دخالت‌ها و حتی از دست رفتن قسمتی از سرزمین‌های ایران شد. در این زمینه به اشغال جزیره آشوراده توسط روس‌ها می‌توان اشاره کرد. روس‌ها ابتدا بنا به درخواست محمدشاه برای سرکوبی اشرار عازم آن‌جا شدند اما با وجود اینکه خود ایران قبل از رسیدن آن‌ها موفق به سرکوبی ترکمن‌ها شد، کشتی‌های جنگی روس در آن جزیره لنگر انداختند و مدتی بعد هم ادعای مالکیت آن‌جا را نمودند. روس‌ها با ساختن استحکامات نظامی رسماً جزیره آشوراده را مالک شدند (قاضیها، ۱۳۸۰: ۲۱۱). کرزن در این باره می‌نویسد که روس‌ها در ابتدای امر تنها دلیل خود برای دخالت در این جزیره را سرکوبی ترکمن‌های راهزن عنوان می‌کردند و «هیچ وقت حق حاکمیت ایران را که قابل تردید نیست در آن جزیره انکار» نمی‌کردند اما پس از رفع فتنه ترکمن‌ها با گذشت سال‌ها «از عنوان این مطلب که آشورده مال آن‌ها نیست سخت آزرده خاطر می‌شوند» (کرزن، ۱۳۶۲: ۲۵۳).

البته می‌توان گفت که احتمالاً دلیل مهم‌تر روس‌ها از گنجاندن این بند از معاهده آن بود که جلوی ورود دیگر کشورهای اروپایی به این دریا را بگیرد و از حضور قدرت‌های رقیب خود در این منطقه جلوگیری کند.

ب. دخالت در امور سیاسی ایران:

موجبات این دخالت از طریق فصل چهارم معاهده فراهم شد. طبق ماده مزبور روسیه متعهد می‌شد که هر کدام از فرزندان پادشاه ایران که به ولیعهدی تعیین می‌گردید را در برابر مخالفین احتمالی آن‌ها در رسیدن به تاج و تخت مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد. با توجه به درگیری‌ها و رقابت‌هایی که بین شاهزادگان قاجار برای کسب مقام سلطنت وجود داشت، روس‌ها با حمایت از ولیعهد قانونی پادشاه آینده ایران را مدیون خود می‌ساختند. ولیعهد برای اینکه پشتیبانی روس‌ها را از دست ندهد مجبور بود تا حدودی با علایق و منافع روس‌ها کنار بیاید.

باگذشت زمان و حضور روز افزون روس‌ها در آذربایجان ولیعهد قاجار هر چه بیشتر تحت نفوذ آنان قرار گرفت تا جایی که می‌توان گفت پادشاهی مانند مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه خود را دست نشانده روس‌ها می‌دانستند. بخصوص محمدعلی شاه که در ماجرای مشروطه با حمایت علنی روس‌ها رودروی مردم ایران قرار گرفت و به سرکوب مشروطه‌خواهان پرداخت. زمانی هم که از سلطنت کنار گذاشته شد باز هم روس‌ها به حمایت از او برخاستند و او را برای کسب مجدد سلطنت یاری نمودند که البته ناکام ماند.

پ. روابط تجاری:

فصول ۸، ۹ و ۱۰ عهدنامه گلستان در مورد تسهیلات و مقرراتی بود که جهت تجار دو کشور در نظر گرفته شد، طبق این فصول قرار شد که دولتین تسهیلات لازم را برای تجار طرف مقابل در کشورشان فراهم کنند، تا آن‌ها با آسودگی خیال و امنیت بتوانند به دادوستد بپردازند. هم‌چنین اخذ عوارض گمرکی پنج درصد تعیین شد که بایستی این مبلغ به صورت ثابت و فقط یک مرتبه دریافت می‌گردید. این امر جلوی تعدی و زیاده‌ستانیهای مأموران گمرکی و راهداران قاجار را گرفت. حتی می‌توان گفت که تا حدودی میزان درآمد گمرک را قابل محاسبه ساخت.

نکته قابل توجه این بود که روس‌ها همان تعهداتی را که از ایران برای تجار روس درخواست می‌کردند خود نیز عیناً همان تعهدات را در قبال تجار ایرانی می‌پذیرد.

با این حال روسیه از این شرایط سود می‌برد زیرا ایران از لحاظ اقتصادی و سیاسی و غیره در شرایط برابری با روسیه قرار نداشت و طبیعتاً کشور قدرتمندتر استفاده بیشتری می‌برد. از همه مهم‌تر اینکه با معاهده گلستان استقلال گمرکی ایران از بین رفت و ایران برای اولین بار به صورت یک‌طرفه مجبور شد تعرفه گمرکی خود را طبق دلخواه طرف مقابل تنظیم کند.

ت. شورش‌ها و اغتشاشات داخلی:

پس از معاهده گلستان دولت ایران گرفتار جنگ‌های متعدد داخلی شد. با انتشار خیر شکست ایران از روس‌ها و انعقاد معاهده گلستان عده‌ای از طوایف و رؤسای ایالات که مترصد فرصت بودند موقع را برای شورش و تحصیل خودمختاری مناسب یافتند. در سراسر کشور و بخصوص در نواحی شرق دریای مازندران و شمال شرقی شورش‌های متعددی به وقوع پیوست. در سال ۱۸۱۳م/ ۱۲۲۸ق ترکمن‌ها از ولایت مجاور استرآباد به تحریک شخصی به نام حاجی یوسف از اهالی آسیای مرکزی که بر حاکم بدخشان یاغی شده بود، شورش کردند و به خراسان هجوم آوردند که با به قتل رسیدن فرمانده شان، بقیه نیز منهزم شدند. رؤسای ایالات خراسان نیز سرکشی نمودند و اغتشاشات آن‌ها از ۱۸۱۳ تا ۱۸۲۴م/ ۱۲۲۸ تا ۱۲۲۹ق به طول انجامید (دنبلی، ۱۳۵۱: ۳۳۸-۳۱۴).

بدرفتاری‌های محمدولی میرزا حاکم خراسان علت عمده شورش‌های این خطه بود. سکنه خراسان به سرپرستی اسحق خان قرآنی علیه حاکم آن‌ها شوریدند و حتی بر مشهد دست یافتند که به زحمت و تنها با انداختن تفرقه در بین آنان شکست خوردند. حاکم بخارا نیز به طرف خراسان حرکت کرد ولی با دیدن برقراری ثبات در آن‌جا از فتحعلی شاه معذرت خواهی کرد و بخشیده شد. محمد زمان حاکم بسطام و از دسته علیای قاجار نیز شورش کرد و حدود سی

هزار نفر از ترکمنان را دور خود جمع نمودند ولی او نیز دستگیر و زندانی شد. خان خیوه هم برای پیوستن به شورشیان خراسان عازم آن جا شد و تا استرآباد پیشروی کرد ولی با دیدن قوای شاه و اختلافات حاکم بر طوایف شورشی منصرف گردید و تقاضای عفو نمود. با اینکه محمدولی میرزا در مقطعی موفق شد تمام شورش‌ها را سرکوب نماید ولی طغیان مجدد اسحق‌خان قرائی و غافلگیری و قتل او و پسرش توسط ایشان باعث بی اعتمادی و نارضایتی طوایف دیگر خراسان گردید تا اینکه عاقبت فتحعلی شاه مجبور شد محمدولی میرزا از خراسان فرا خوانده و حسنعلی میرزا حاکم فارس را روانه آن‌جا نماید. شورش‌های متعددی نیز در هرات به وقوع پیوست که با اقدامات حسنعلی میرزا پایان یافت (لسان‌الملک، ۱۳۵۳: ۲۸۵/۱ - ۲۲۹).

ث. نتایج معاهده گلستان در روابط خارجی ایران:

دولت انگلستان که نمایندگانش در برقراری صلح بین ایران و روسیه و عقد معاهده گلستان نقش فعالی داشتند پس از انعقاد معاهده از شرایطی که برای نفوذ روس‌ها در ایران فراهم شده بود بیمناک شد و سعی نمود تا حداقل با ایجاد شرایطی سلطه سیاسی دولت روسیه را تعدیل کند. به همین جهت انگلستان بر آن شدند تا تغییراتی را در معاهده مفصل که در سال ۱۸۱۲م/۱۲۲۷ق بین ایران و آن کشور منعقد شده بود، انجام دهند. به قول لسان‌الملک «چند فصل از آن را با تغییرات چندی به مقتضای مراسم یک جهتی و اتحاد دولتین علیتین انساب داشته عالیجاه هنری الس را روانه و در طی نامه دوستانه خواهشمند تغییرات مزبور گردید» (لسان‌الملک، ۱۳۵۳: ۲۶۴/۱).

یک سال پس از امضای معاهده گلستان هنری الس و جیمز موریه مأموریت یافتند تا تغییراتی را در معاهده مفصل انجام دهند، در نتیجه معاهده‌ای جدید در تاریخ ۱۸۱۴م/۱۲۲۹ق به نام عهدنامه تهران به امضاء رسید. آن قسمت از این معاهده که در ارتباط با عهدنامه گلستان

تنظیم یافت فصل سوم آن می‌باشد که دولتین ایران و انگلیس تعهد کردند که در برابر حمله دشمنان به یکدیگر کمک متقابل نمایند: «این عهدنامه محض از برای رفع سبقت نمودن دشمنان در نزاع و جدال استقرار پذیر است و مراد از سبقت تجاوز نمودن از خاک متعلقه بخواد و تصد ملک خارج از خود را نمودن است و خاک بهر یک از دولتین ایران روس از قرار است که با اطلاع و کلاء دولتین ایران و انکلتره و دولت روس بعد از این معین و مشخص گردید» (همان: ۲۶).

به این ترتیب دولت انگلستان که از نفوذ روز افزون دولت روسیه در دربار ایران نگران بود می‌خواست در مقابل تعدی روس‌ها بتواند به ایران کمک کند. البته معاهده طوری نوشته شده بود که انگلیسی‌ها با اِما و اگر می‌توانستند از اجرای آن سرباز زنند چنان‌که در جنگ‌های جهانی دوم این کار را انجام دادند. به هر حال این رفتار انگلیسی‌ها موجب بروز خشم روس‌ها شد و با ارسال نامه‌ای این امر را دخالت در امور داخلی خود تلقی کرده و اظهار نمودند که در موضوع روابطشان با همسایگان آسیایی «میانجیگری، دخالت، حتی اقدامات خیرخواهانه یک دولت ثالث بیگانه» را نخواهند پذیرفت (ترنزیو، ۱۳۵۹: ۲۸).

یکی دیگر از نتایج معاهده گلستان در روابط خارجی ایران، جنگ با عثمانی بود. یرمولوف حاکم گرجستان و فرمانده قفقاز در سال ۱۸۱۷م/۱۲۳۲ق به عنوان سفیر فوق‌العاده روسیه جهت انجام مأموریت‌هایی وارد تهران شد. یکی از تقاضاهایی که یرمولوف از فتحعلی شاه داشت این بود که دو کشور با هم متحد شده و به عثمانی حمله کنند ولی شاه زیر بار نرفت. با این حال روس‌ها از شکست فرستاده خود مأیوس شدند و هم‌چنان به تلاش‌های خود جهت برافروختن آتش جنگ بین ایران و عثمانی ادامه دادند. این کار را بعد از یرمولوف، مازاروویچ نایب سفارت روسیه در ایران انجام می‌داد. او سعی داشت تحقیر و سرافکنندگی ملت ایران را از عدم موفقیت و شکست‌های ناشی از جنگ‌های ایران و روسیه جبران کند (بینا، ۱۳۴۲: ۱۹۴/۱-۱۹۳). تلاش‌های نماینده روسیه کم‌کم عباس میرزا را، که او را هم به نحوی در پی

جبران شکست‌های خود بود تحت تأثیر قرار داد و حمایت دولت عثمانی از دو ایل چادر نشین ایرانی که آذربایجان را ترک کرده و در خاک عثمانی اقامت گزیده بودند، بهانه لازم برای اعلان جنگ به عثمانی را به عباس میرزا داد (دنبلی، ۱۳۵۱: ۲۴۰). بدین ترتیب جنگ با دولت عثمانی شروع شد و از سال ۱۸۲۱ تا ۱۸۲۳ م/ ۱۲۳۶ تا ۱۲۳۸ ق به مدت دو سال به طول انجامید که سرانجام با معاهده ارزنه الروم پایان یافت. در نتیجه می‌توان گفت که جنگ ایران و عثمانی از نتایج مستقیم معاهده گلستان بود.

ج. ورود فرهنگ و اندیشه‌های غربی به ایران

بسیاری از پژوهشگران حوزه تاریخ، جنگ‌های ایران و روس را آغاز آشنایی ایران با غرب و وقوف به داستان عقب ماندگی خویش از قافله تمدن و تجدد غرب به شمار می‌آورند. این مبنا از نظر بسیاری از عناصر و مؤلفه‌های تاریخی مبدأ و مبنای صحیحی به نظر می‌آید. چرا که در اثنای این رویارویی بود که سرمداران نظامی و سیاسی کشور و به طور مشخص عباس میرزا دریافتند که فاصله‌ای طولانی در مسیر تجدد و پیشرفت‌های فنی با غرب ایجاد شده است. به هر صورت این آشنایی‌ها در برگیرنده پیامدهای بسیاری در زمینه احساس لزوم ایجاد تغییر در بسیاری از ابعاد و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی است. در این زمینه داستان ملاقات عباس میرزا با سرباز روسی و پرسش تعجب‌آمیز وی با این مضمون که «ای فرنگی بگو بینم شما چه دارید که ما فاقد آن هستیم» خود تمثیلی گویا و شاهدهی مستند برای حیرت ایرانیان از پیشرفت غرب و عقب ماندگی خود و مهم‌تر از آن علت این امر می‌باشد. عباس میرزا به عنوان شخصیتی که بیش از و پیش از دیگر سرمداران سیاسی و نظامی کشور به عقب ماندگی ایرانیان و لزوم جبران فاصله‌ها پی برده بود اقدامات و اصلاحاتی را آغاز کرد. شاید یکی از مهم‌ترین اقدامات عباس میرزا اعزام دانشجو به خارج بود. این عمل که پس از وی نیز مکرر انجام شد، باعث

گردید دانشجویان اعزامی به حاملان و ناقلان اندیشه‌ها و افکار جدید به کشور و آشنا کنندگان مردم ایران با تمدن و تجدد غرب تبدیل شوند.

اعزام دانشجویان برای اولین بار در سال ۱۲۲۶ق/ ۱۸۱۱م با فرستادن سه محصل ایرانی به انگلستان آغاز شد، یکی از آن دو پس از یک سال و نیم درگذشت و دیگری به نام میرزا حاجی بابا به تحصیل طب پرداخت و پس از شش سال به ایران بازگشت. به دنبال آن در سال ۱۲۳۰ق/ ۱۸۱۵م نیز یک هیئت پنج نفری از جوانان ایرانی برای تحصیل رشته‌های مختلف روانه انگلستان شدند (آدمیت، ۱۳۴: ۲۴). میرزا صالح شیرازی از اعضای این هیئت پنج نفری سفرنامه‌ای نوشته که تبدیل به یکی از مهم‌ترین آثاری شد که در آشنایی ایرانیان با تمدن و تجدد غرب، مخصوصاً ورود آراء و افکار نو سیاسی - اجتماعی نقش بسزایی ایفا کرد. موضوعاتی که میرزا صالح در اثر یاد شده مورد توجه قرار داده عبارت‌اند از: حکومت انگلیس و آغاز حکومت پارلمانی، قوانین و دولتمداری، دستگاه قضاوت، مالیات، کلیسای کاتولیک و پروتستان و... (صالح شیرازی، ۱۳۴۷: ۳۳۵-۳۱۷). میرزا شیفته آزادی و انتظام جامعه انگلستان شده بود و شرحی خواندنی در آن خصوص نوشته است. در مورد شیوه حکومت انگلیس مکرراً سخن می‌راند، از پارلمان انگلیس با عنوان «مشورتخانه» یاد می‌کند، مجلس عامه را «خانه وکیل رعایا» و «مجلس عام» خوانده و مجلس لردها را «خانه قوانین» نامیده است. وی پس از شرح حقوق سلطنت و مجلس لردها و مجلس عام، طرز انتخاب وکلای ملت و حقوق آنها را توضیح می‌دهد و از همکاری ارکان سه‌گانه مملکت انگلیس یعنی سلطنت، مجلس لردها و مجلس عام سخن می‌گوید (همان: ۳۱۹). درباره آزادی بیان، به عنوان یکی از اصول حکومت پارلمانی نوشته است: «هر کدام از اجزای مشورتخانه رخصت دارند که در مشورتخانه هر چه به ذهن آنها رسید در امور ملکی و سایر مواد بیان نموده واحدی را نباید تمسخر کنند...» (همان: ۳۲۳). در خصوص قدرت مجلس عام گفته است: «فرضاً اگر پادشاه حکمی جاری کند که موافق مصلحت ولایتی نباشد وکیل رعایا مقاومت و ممانعت در جریان حکم

مزبور نموده و مطلقاً تاثیری نمی‌بخشد و جاری نمی‌شود. و هم‌چنین اگر قوانین و پادشاه متفق شوند و وکیل رعایا راضی نبوده ایضاً حکم آن‌ها اگر چه مقرون به مصلحت بوده جاری نخواهد شد» (همانجا).

سفرنامه میرزا صالح اولین اثری است که طی آن یک نویسنده ایرانی در اثری به زبان فارسی به انقلاب کبیر فرانسه و ظهور ناپلئون اشاره می‌کند، وی در این باره چنین می‌نویسد: «در سال ۱۷۸۹ بلوای عامی در ولایت فرانسه برپا شده و از هر سو از پادشاه خود لوئیس شانزدهم ناراضی گشته اولاً اهالی مشورتخانه قدرت و تسلط پادشاهی را تخفیف داده... او را وجودی معطل انگاشته اشخاصی را که پادشاه به منصب و بزرگی مفتخر فرموده از مناصب مزبور معزول نموده... و بعد از آنکه حمله به خانه پادشاهی نموده... اهالی فرانسه جمعیتی کرده و به حقیقت رفتار لوئیس مزبور رسیده او را مقصر یافته و فتوای قتل او را نوشته او را مقتل ساخته...» (همان: ۲۷۲-۲۷۱).

میرزا صالح هم‌چنین به قدرت‌یابی روبسپیر اشاره می‌کند و سرنوشت او را چنین توصیف می‌نماید: «روبسپیر نام شخصی در اصل فقیر و حقیر [است که] در فرانسه ترقی یافته واصل و سرمایه این همه فساد مشار الیه بود گویند به‌جز پادشاه و منسوبان او تخمیناً چهل هزار نفر در این بلوا و طغیان به قتل رسیده... چون روبسپیر مزبور را سرمایه فساد دیده مشار الیه و جمعی از منسوبان او را که بیست نفر باشند گرفته مقتول نموده...» (همان: ۲۷۳). آنچه از بررسی سفرنامه میرزا صالح به‌دست می‌آید این است که؛ اثر یاد شده در ورود افکار جدید و مترقی اروپا مخصوصاً ورود افکار جدید سیاسی در نوع و سطح خود یکی از مهم‌ترین آثار است. زیرا در این کتاب، اثر بسیاری از مفاهیم و آرای جدید سیاسی، وقایع و رخدادهای مهم و تأثیرگذار برای اولین بار طرح و ذکر شده است. بی‌تردید اشاره به مفاهیمی چون آزادی، انتخابات، مساوات و صحبت از نهادهایی نظیر پارلمان و ... هم‌چنین شرح رخدادهای مربوط به انقلاب کبیر فرانسه در ذهن خواننده ایرانی جامعه قاجاری تأثیرات شگرفی برجای می‌نهد. به طوری

که بسیاری از پژوهشگران سفرنامه میرزا صالح را از اولین عوامل مهم تحول اندیشه سیاسی در ایران دانسته‌اند.

شکست از روسیه پیامد دیگری نیز در پی داشت که از این رهگذر نیز آشنایی و تماس بیشتر با غرب حاصل شد و در نهایت موجب ورود افکار و اندیشه‌های غربی در ابعاد مختلف و به طور مشخص اندیشه‌های سیاسی غربی به ایران گردید. توضیح اینکه شکست از روسیه و واگذاری امتیازات فراوان به این کشور، قدرت‌های دیگر نظیر فرانسه و انگلستان را نگران و متوجه این کشور کرد، ناپلئون که در سر سودای جهانگشایی به ایران به عنوان کلید فتح آسیا توجهی ویژه داشت.

سردمداران ایران نیز که در جنگ‌های ایران با روس متوجه کاستی‌ها و علل شکست خود شده بودند، چاره را در یافتن متحدی خارجی و قدرتمند می‌جستند که هم حامی و پشتیبان ایران بوده و هم این کشور را برای جبران عقب ماندگی و رساندن به قافله علم و صنعت و پیشرفت یاری رساند. نتیجه این مسائل قرارداد فین‌کن‌اشتاین بود که بین ایران و فرانسه در سال ۱۸۰۷ م منعقد گردید. ارتباطات میان ایران و فرانسه در عصر فتحعلیشاه، با اعزام هیئتی به سرپرستی ژنرال گاردان توسط ناپلئون به ایران که (مطابق یکی از مفاد عهدنامه فین‌کن‌اشتاین) زمینه را برای آشنایی ایرانیان با رژیم حاکم بر فرانسه (یعنی جمهوری) مهیا نمود، در این میان رفتار پسندیده و معقولانه هیئت گاردان به طور ناخودآگاه در توجه ایرانیان به انقلاب فرانسه و رژیم حاکم بر آن کشور مؤثر واقع شد (دوگاردان، ۱۳۱۰: ۳۵).

انگلستان نیز که همیشه در طول تاریخ استعمارگری خود، برای ایران به عنوان کشوری با موقعیت استراتژیک و دروازه هند اهمیت فوق‌العاده قائل می‌شد، پس از تحولات یاد شده روابط خود را با ایران گسترده‌تر ساخت. البته باید اشاره کرد که انگلستان صرفاً دغدغه حفظ منافع و مستعمرات خود را داشته و سعی در تیرگی روابط ایران و فرانسه جمهوری می‌نمود. به طوری که در سال ۱۲۱۴ق/ ۱۷۹۹م که مهدی علیخان بهادر جنگ از طرف حکومت انگلیس

در هند به دربار فتحعلیشاه فرستاده شد حاکم بمبئی به دستور لرد ولسلی فرمانفرمای هندوستان ضمن دستورالعمل مفصلی به او مأموریت داد که به منظور جلوگیری از راه یافتن فرانسوی‌ها به سواحل خلیج فارس «خوف و دهشت فرانسویان جمهوریخواه را در دل فتحعلیشاه ایجاد و دربار ایران را قانع کند که مقصود اصلی فرانسویان فرو ریختن اساس تمام سلطنت‌ها و ادیان جهان می‌باشد و نیز به شاه تلقین نماید شهریاری که اجازه دهد یک تن فرانسوی به قلمرو او پا نهد خطری متوجه تاج و تخت خود ساخته است» (آدمیت، ۱۳۴۰: ۳۶). به طور کلی نتیجه مباحث گذشته آشنایی ایرانیان با تمدن و تجدد غرب و وقوف به عقب ماندگی خود و کشورشان از قافله علم و صنعت و ترقی و پیشرفت بود. این آشنایی‌ها در تمامی ابعاد اجتماعی و سیاسی انجام می‌گرفت و همان گونه که ذکر شد در بُعد سیاسی و به‌طور مشخص در زمینه اندیشه سیاسی، باعث ورود مفاهیم سیاسی غربی در حوزه اندیشه سیاسی به ایران بود که با شرایط و اوضاع فرهنگی ایران تناسب چندانی نداشتند و باعث بروز مشکلات عدیده‌ای در امر حکومت در ایران شدند.

نتیجه‌گیری

ده سال جنگ خزانة فتحعلی‌شاه را خالی، ذخیره مالی عباس میرزا را از بین برد و بخشی از آبادترین سرزمین‌ها به روسیه واگذار گردید. شکست‌های نظامی و عدم سازمان‌دهی نیروهای نظامی بعد از جنگ می‌توانست تهدیدات و شورش‌های داخلی عشایر و ایلات سرکش را به خطر جدی برای حاکمیت قاجار مبدل کند. به استناد بند چهارم، دست روس‌ها برای مداخله در امور داخلی و سیاست خارجی ایران باز گذاشته و از منظر دینی قاجارها متهم بودند که به کفار اجازه داده‌اند در سرزمین‌های اسلامی مستقر شوند. ضعف نظامی در سازمان و تجهیزات و نیروهای جنگی، اتکاء بیش از حد به وعده‌های کمک دولت‌های خارجی، ساده‌انگاری و کم گرفتن توان حریف، نفاق و دورویی خوانین محلی، بی‌اعتمادی مردم مناطق اشغالی به حکام

قاجار و دسیسه‌های قدرت‌های اروپایی در مقابل ایران از جمله پیامدهای شکست ایران از روس بوده است.

عهدنامه گلستان نخستین مرحله از توسعه طلبی ارضی روسیه تزاری در ایران بود که طی آن سرزمین‌های وسیعی از ایران جدا شد و علاوه بر این مالکیت ایران بر سرزمین دریایی خود در دریای مازندران محدود شد. برای اولین بار با معاهده مزبور استقلال گمرکی ایران از دست رفت و زمینه‌های نفوذ اقتصادی روس‌ها در ایران مهیا شد. هر چند با این معاهده یک نوع نظم و نسق خاصی بر گمرک ایران حاکم شد. هم‌چنین با تحمیل این معاهده نفوذ و قدرت معنوی حکومت ایران در بین ایالات و اقوام مختلف خدشه‌دار شد و اغتشاشات و آشوب‌های متعددی در نقاط مختلف کشور به وقوع پیوست.

عهدنامه گلستان در روابط خارجی ایران نیز تأثیرگذار بود. انگلستان که نمایندگانش در شعله‌ور شدن جنگ‌های اول ایران و روس و تحمیل معاهده گلستان بر ایران نقش داشتند از این پس سعی نمودند با حضور پر رنگ‌تر خود نفوذ روس‌ها را تعدیل نمایند. از طرفی دیگر روس‌ها با تحریک ایران بعد از معاهده گلستان زمینه‌های جنگ دو ساله ایران و عثمانی را فراهم نمودند.

شواهد نشان می‌دهد که برخی از سیاستمداران دولت ایران امیدوار بوده‌اند که از عقد قرارداد صلح به عنوان فرصتی برای تجدید قوا استفاده کنند تا شاید بتوانند در آینده با تجهیز دوباره‌ی نیرو در پی جبران شکست‌های پیشین برآیند. این اشتباه سبب شد که فرصت مناسبی که در نتیجه‌ی حمله‌ی ناپلئون به روسیه فراهم شده بود از دست برود و پس از شکست نهایی ناپلئون، روس‌ها با توان افزون‌تری در دوره دوم جنگ‌ها به میدان رویارویی با ایران پای بگذارند.

بسیاری از پژوهشگران، جنگ‌های ایران و روس را آغاز آشنایی ایران با غرب و وقوف به داستان عقب ماندگی خویش از قافله تمدن و تجدد غرب به شمار می‌آورند. این مبنا از نظر

بسیاری از عناصر و مؤلفه‌های تاریخی مبدأ و مبنای صحیحی به نظر می‌آید. چرا که در اثنای این رویارویی بود که سرداران نظامی و سیاسی کشور و به طور مشخص عباس میرزا دریافتند که فاصله‌ای طولانی در مسیر تجدد و پیشرفت‌های فنی با غرب ایجاد شده است. یکی از مهم‌ترین اقدامات عباس میرزا اعزام دانشجویان به خارج بود. این عمل که پس از وی نیز مکرر انجام شد، باعث گردید دانشجویان اعزامی به حاملان و ناقلان اندیشه‌ها و افکار جدید به کشور و آشنا کنندگان مردم ایران با تمدن و تجدد غرب تبدیل شوند. شکست از روسیه پیامد دیگری نیز در پی داشت که از این رهگذر نیز آشنایی و تماس بیشتر با غرب حاصل شد و در نهایت موجب ورود افکار و اندیشه‌های غربی در ابعاد مختلف و به طور مشخص اندیشه‌های سیاسی غربی به ایران گردید. شکست از روسیه و واگذاری امتیازات فراوان به این کشور، قدرت‌های دیگر نظیر فرانسه و انگلستان را نگران و متوجه این کشور کرد، ناپلئون که در سر سودای جهانگشایی به ایران به عنوان کلید فتح آسیا توجهی ویژه داشت.

منابع و مأخذ

- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰). *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت*. تهران: سخن.
- بینا، علی اکبر (۱۳۴۲). *تاریخ سیاسی و دیپلماتی ایران*. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.
- ترنزیو، پیوکارلو (۱۳۵۹). *رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان*. ترجمه عباس آذرین. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۵۱). *مآثر سلطانیه*. به اهتمام حسین صدری افشاری. تهران: ابن سینا.
- دوگاردان، کنت آلفرد (۱۳۱۰). *مأموریت ژنرال گاردان در ایران*. ترجمه عباس اقبال. تهران: انتشارات شورای نظام.
- شیرازی، میرزا صالح (۱۳۴۷). *سفرنامه*. به اهتمام و مقدمه اسماعیل راثین. تصحیح محمد شهرستانی. تهران: روزن.
- عبدالله یف، فتح الله (۱۳۳۶). *گوشه‌ای از تاریخ ایران*. ترجمه غلامحسین متین. تهران: ستاره.
- قاضیها، فاطمه (۱۳۸۰). *اسناد روابط ایران و روسیه در دوران فتحعلیشاه و محمدشاه قاجار*. تهران: وزارت امور خارجه.

- قوزانلو، جمیل (۱۳۱۵). *جنگ ده ساله یا جنگ اول ایران با روس*. طهران: کتابخانه ترقی.
- کرزن، جرج (۱۳۶۲). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه ع. وحید مازندرانی. ج ۱. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی (۱۳۵۳). *ناسخ التواریخ سلاطین قاجاریه*. به تصحیح محمد باقر بهبودی. ج ۱. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- نفیسی، سعید (۱۳۷۲). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران*. ج ۱. تهران: بنیاد.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۵). *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*. تهران: امیرکبیر.

